



نشست علمی - پژوهشی
زینب کبری ع در تاریخ اسلام



شناسنامه نشست علمی - پژوهشی:

شماره نشست: ۱

نوع نشست: عمومی

استاد نشست: حجت الاسلام و المسلمین آقای یوسفی غروی

تعداد شرکت کنندگان: ۲۰۰ نفر

زمان: پنجشنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۱

مکان: سالن حسینیہ موسسه آموزش عالی بنت الهدی

اهم اقدامات انجام شده:

۱. هماهنگی با جناب آقای یوسفی غروی و دعوت از ایشان جهت حضور در نشست؛
۲. سفارش طراحی و چاپ پوستر و بنرهای تبلیغاتی نشست؛
۳. اطلاع رسانی در سایت و سطح موسسه؛
۴. هماهنگی سالن برگزاری نشست از لحاظ نور، صوت، تهویه و ...؛
۵. ثبت و ضبط نشست؛
۶. پیاده سازی و ویراستاری متن سخنرانی استاد؛
۷. ارسال متن پیاده سازی شده به استاد جهت بازنگری و اصلاح نهایی؛
۸. درج متن سخنرانی نشست در سایت موسسه.
۹. تهیه گزارش نشست.

سید محسن امین عاملی، حدود ۱۵۰ دیوان (کتاب شعر) از ۱۵۰ شاعر شیعی عرب عراقی و از مجموعه آنها، بیش از ۱۵۰ قصیده گزینش کرده و در کتاب *الدر النضید فی مراتی السبط الشهید* به ترتیب حروف الفبا تدوین نموده است.

یکی دیگر از کتاب‌های سید محسن امین عاملی به نام *المجالس السنیه فی مناقب و مصائب عترت النبویه* در پنج جلد است. جلد اول گزیده‌هایی از سیره پیامبر اکرم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. جلد دوم و سوم، گزیده سیره امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام و جلد چهارم مقتل امام حسین علیه السلام است. جلد پنجم نیز تاریخ دوره معصومین علیهم السلام به استثنای امام حسین علیه السلام است؛ زیرا سید محسن امین، مقتل امام حسین علیه السلام را در کتاب دیگری به نام *لواعج الاشجان فی مصیبه سیدنا ابی عبدالله العطشان* بیان کرده و به همین دلیل، در جلد پنجم کتاب *المجالس السنیه*، از امام حسین علیه السلام نامی نیاورده است.

سید محسن امین، مجتهد بزرگی بوده و چندان اهل منبر نبوده، ولی همواره بر سخنانی که در منبرها گفته می‌شد، ایراد وارد می‌نمود و به پیشنهاد برخی دوستان، این کتاب‌ها را نوشت تا در منبرها استفاده شود. این نکات به این دلیل بیان می‌شود که برخی خواهران برای کارهای تبلیغی از آن بهره خواهند برد.

شیخ مفید در *ارشاد*، به مناسبت سخن از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و آغاز مصیبت‌های امیر مؤمنان علیه السلام، این تعبیر را به کار می‌برد که در ترجمه فارسی آن می‌شود: «هنوز آب غسل و کفن پیامبر خشک نشده بود که ظلم به آل محمد علیهم السلام شروع شد». شیخ مفید تأکید می‌کند که منظور از «ظلم»، تشکیل سقیفه و غصب خلافت امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام است، ولی در مرثیه‌ها، منظور از ظلم را حمله به خانه حضرت زهرا علیها السلام بیان می‌کنند.

نمونه این مرثیه‌ها، قصیده **شیخ صادق کواز حلی** است. همان‌گونه که دوازده بند **محتشم کاشانی** در میان شیعیان ایران معروف است، قصیده شیخ صادق کواز حلی در رثای حضرت اباعبدالله علیه السلام در میان شیعیان عرب و به ویژه در مجالس علما و مجتهدان عراق، مشهور بود و منبری‌هایی که در چنین مجالسی بر منبر می‌رفتند، چند بیتی از آن را می‌خواندند.

بحث امروز، تطبیق ابیات این قصیده با واقعیت‌ها و روایات است. بیت اول این قصیده را می‌خوانیم:

الواثین لظلم آل محمد صلی الله علیه و آله و محمد صلی الله علیه و آله ملقی بلا تکفین

در این بیت، حرفی برای گفتن نمی‌ماند؛ زیرا منطبق با مسلمات تاریخی است و همان‌گونه که بیان شد، شیخ مفید نیز در *ارشاد* آن را بیان کرده است که عده‌ای از مسلمانان در سقیفه جمع شدند و این جمع، به غصب خلافت امیر مؤمنان علیه السلام انجامید.

بیت دوم:

و القائلین لفاطم آذیتنا
فی طول نوح دائم و حنین
آنها که به حضرت زهرا علیها السلام گفتند: تو با طول دادن گریه و ناله‌هایت ما را آزردی.

بیت سوم:

و القاطعین اراکه کی ما تقیل
بظل اوراق لها و غصون

آنها که درخت «اراک» را بریدند تا حضرت زهرا علیها السلام زیر سایه آن درخت، نتواند گریه و زاری کند.

این ابیات، اشاره به خبری دارد که **علامه محمدتقی مجلسی** در جلد ۴۲ بحار الانوار که اختصاص به زندگی و روایات حضرت زهرا علیها السلام دارد، آورده است. روش علامه مجلسی چنین است که در ابتدای هر خبر، به صورت رمزگونه، نام کتابی را که خبر از آن نقل شده، می‌آورد و در پایان هر جلد، این رمزها را توضیح می‌دهد. **مرحوم ربانی شیرازی** که بحار الانوار را برای چاپ و انتشار آماده کرده، این رموز را بازگشایی نموده و در پایان هر خبر، نام کتاب و سایر مشخصاتی را که مجلسی بیان کرده، آورده و دیگر نیازی به دانستن آن رموز نیست. برخی از اخبار نیز بدون رمز آغاز می‌شود. این دسته از اخبار معمولاً اخبار بدون سند و یا اخباری است که سند ضعیف دارد. یکی از این اخبار، خبری است که مرحوم مجلسی گوید: من در یک کتابی خبری را در وفات آن حضرت دیدم که میل دارم آن خبر را اینجا بیاورم گرچه در یک اصل معتبری که بشود بر آن استناد نمود نیافته‌ام:

شخصی به نام ورقه ابن عبدالله از دی روایت نموده گوید: به حج خانه خدا رفته بودم، در حال طواف خانه خدا بودم که دیدم دو زن بر سر مطلبی اختلاف نظر دارند و یکی از این دو برای اثبات حقانیت خود، به عباراتی در وصف امام علی علیه السلام سوگند می‌خورد. من از این سوگند، فهمیدم که آن زن شیعه است. نگاه کردم، دیدم آن زن، میان سال است و چهره‌ای زیبا با ابروان کشیده و سیاه دارد. از آن زن خواستم که زمانی را برای ملاقات من در نظر بگیرد و آن زن گفت: فردا پیش از ظهر در «سوق اللیل» همدیگر را ببینیم.

از همین جا می‌توان دریافت که این خبر، چندان قدیمی نیست؛ زیرا «سوق اللیل» برای قرن‌های آغازین اسلام نیست. این بازار، همین چند سال پیش تخریب شد و گاهی آن را به نام «سوق ابوسفیان» می‌شناختند.

ورقه بن عبدالله از دی ادامه می‌دهد:

در موعد مقرر به سوق اللیل رفتم و هرچه منتظر شدم، آن زن را ندیدم. ناامید شدم و خواستم برگردم که دیدم زنی دست‌فروش در کنار بساط خود نشسته و پایین لباس مرا گرفت. دقت کردم دیدم همان زنی است که من منتظرش بودم. گفتم: «کجا بودی که تو را نمی‌دیدم». گفت: «با من چکار داری؟» گفتم: «تو کیستی؟» گفت: «من فضا، خادمه حضرت زهرایم». با خوشحالی گفتم: «چه خوب شد! من در پی شخصی مانند تو بودم تا اخبار حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را از او بپرسم. اینجا در بازار نمی‌شود صحبت کرد. جایی برویم تا راحت‌تر صحبت کنیم». فضا گفت: «به کوچه کنار بازار برویم». به آن کوچه رفتیم. آن زن وارد خانه‌ای شد و از پله‌ها بالا رفت و

در اتاق طبقه بالا نشست. من در آنجا از او خواستم که قضایایی که پس از رحلت حضرت محمد ﷺ پیش آمد، شرح دهد و او هم نشست و...

شش صفحه از کتاب بحار الانوار به سخنان این فضا اختصاص می‌یابد. در صدر این خبر، مجلسی می‌گوید: «و إن لم اجده من اصل يعقول عليه؛ اگرچه این خبر را در کتاب مطمئنی ندیدم، ولی دوست داشتم آن را نقل کنم».

از این روایت دو نتیجه می‌توان گرفت؛ نخست اینکه کتاب، چندان شناخته شده نیست، دوم اینکه مرحوم مجلسی، خود نیز بر نامعتبر بودن آن اقرار می‌کند. مطلبی که در منبرها نیز زیاد گفته می‌شود، مستند به این خبر نامعتبر است. آن مطلب این است که گروهی از اهالی مدینه به حضرت زهرا علیها السلام گفتند: «یا شب گریه کن و روز، آرام بگیر یا روز گریه کن و شب آرام بگیر». امیر مؤمنان علیه السلام شکایت مردم را برای حضرت زهرا علیها السلام نقل نمود. آن حضرت نیز پس از آن، دست حسنین علیهما السلام را می‌گرفت و از شهر خارج می‌شد و زیر درختی به نام «اراک» می‌نشست و آنجا گریه می‌کرد. مردم شهر، آن درخت را نیز بریدند تا حضرت آنجا نیز نتواند سوگواری کند. سپس امیر مؤمنان علیه السلام در بیرون شهر، اتاق سقف‌داری را بنا کرد که «بیت‌الاحزان» نام گرفت.

در جای دیگری از این روایت نامعتبر، ورقه به نقل از فضا و او به نقل از امیر مؤمنان علیه السلام می‌گوید:

وقتی که می‌خواستم بندهای کفن بیرونی را ببندم، صدا زدم: ای حسن، ای حسین، ای زینب، ای ام کلثوم، ای سکینه، ای رقیه و ای فضا، وداع کنید که پایان این جدایی، در بهشت خواهد بود.

حسن و حسین علیهما السلام آمدند و خود را روی سینه مادر انداختند. ادامه روایت چنین است:

فانی اشهد الله أنها حنت و انت و مدَّت يديها و ضمتهما الي صدرها مليًا و اذا بهاتف ن السماء ينادي يا ابالحسن ارفعهما عن جسدها فوالله لقد ابكيا ملائكة السماوات، و قد اشتاق الحبيب الي المحبوب؟!؛

خدا را شاهد می‌گیرم که او ناله کرد و دو دست خود را دراز کرد و آن دو را به سینه اش چسبانید و هاتفی را از آسمان شنیدم می‌گوید: ای ابالحسن این دو را از تن او بردار که فرشتگان را به گریه انداختند.

شاهد بطلان این روایت در اینجا است که فضا در این خبر که ادعا می‌کند در خانه حضرت زهرا علیها السلام و امیر

مؤمنان علیهما السلام آن شب حضور داشته، به جای نقل از زبان خود، آن را از زبان حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند و می-

گوید که امیر مؤمنان علیه السلام به من گفت که چنین کردم و چنان شد و... فضا خود در صحنه، حضور داشته است و

هنگام نقل قول از امام علی علیه السلام به جای آنکه بگوید: «امیر مؤمنان علیهما السلام مرا صدا زد»، می‌گوید: «امیر

مؤمنان علیهما السلام، فضا را صدا زد». گویا راوی فراموش می‌کند که ماجرا از زبان فضا نقل می‌شود.

از سوی دیگر، سازنده این روایت، چنان از تاریخ ناآگاه است که نمی‌داند سکینه و رقیه، فرزند امام حسین علیه السلام بودند، نه امام علی علیه السلام. همچنین در روایت آمده که «حسن و حسین و... و فضا را صدا زد و گفتم از مادران خدا حافظی کنید». مگر حضرت زهرا علیها السلام مادر فضا بوده است؟

نکته دیگر اینکه معجزه‌ای که در روایت آمده (حضرت زهرا علیها السلام پس از شهادت، آغوش خود را می‌گشاید و حسنین علیهما السلام را در بر می‌گیرد) با این روایات ضعیف اثبات نمی‌شود. قاعده این است که هر علت، معلولی دارد. البته ممکن است برخی اتفاق‌ها خارج از این قاعده اتفاق بیفتد، ولی چون خارج از قاعده است، دلیلی بسیار قوی می‌خواهد که آن اصل خدشه‌دار شود.

مطالبی مانند بیت الاحزان و درخت اراک و باز شدن بند کفن و... که در بسیاری از مرثیه‌ها خوانده می‌شود، هیچ سند و مدرکی جز این خبر نامعتبر و مخدوش ندارد. این بی‌دقتی زمانی فاجعه‌بار می‌شود که شخصی مانند **محدث قمی** نام کتابی را که در مورد مصایب حضرت زهرا علیها السلام تألیف کرده، **بیت الاحزان فی مصائب سیده النسوان** می‌گذارد که نشان می‌دهد گاهی علما نیز به این نکات، دقت کافی نکرده‌اند.

البته این نکته را در جلد چهارم کتاب خود، **موسوعة التاریخ الاسلامی** بیان نموده‌ام. این جلد از کتاب موسوعه به فارسی ترجمه شده، ولی به دلیل مسایل و مشکلاتی که در تهیه کاغذ پیش آمد، چاپ نشده باقی مانده است.

در قصیده شیخ صادق کواز حلی پس از بیان این قضایا، ماجرای حمله به در خانه حضرت زهرا علیها السلام بیان می‌شود که لازم است نگاه دقیق‌تری به روایات وارده داشته باشیم. یکی از روایان خطبه حضرت زهرا علیها السلام در مسجد مدینه، حضرت زینب علیها السلام است. گویا حضرت زینب علیها السلام در آن زمان، در سنی بوده که می‌توانسته چنین خطبه مهم و مفصلی را هم درک کند، هم ضبط هم حفظ کند تا بعدها آن را از او نقل کنند. تا اینجا خبر در منابع معتبر موجود است، ولی چیز دیگری از آن حضرت نقل نشده است؛ یعنی در ماجراهای پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا شهادت حضرت زهرا علیها السلام، هیچ نقل معتبری از حضرت زینب علیها السلام موجود نیست، به جز خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام.

در این بخش لازم می‌دانم نکته‌ای را در مورد لقب «کبری» برای حضرت زینب علیها السلام بیان کنم. در کتاب‌های صحابیات (کتبی که شرح حال اصحاب را جمع‌آوری نموده‌اند)، مانند **استیعاب فی معرفة الاصحاب اثر ابن عبدالبرّ اندلسی** در قرن چهارم هجری، **اسد الغابة فی معرفة الصحابة از ابن اثیر جزری** (صاحب کتاب **الکامل فی التاریخ**) در قرن هفتم (متوفای ۶۳۶) و کتاب **الاصابة فی تمییز الصحابه از ابن حجر اسفلائی** در قرن نهم (متوفای ۸۲۹) آمده که حضرت زینب علیها السلام به این دلیل که دختر اول و بزرگ خانه بوده، ملقب به «کبری» نشده، بلکه به این دلیل است

که او بزرگ‌تر از زینب دیگری بود که او هم دختر امیر مؤمنان علیه السلام و از زن دیگری بود. در حقیقت حضرت زینب علیها السلام، دختر دوم خانه و کوچک‌تر از ام کلثوم، ولی بزرگ‌تر از زینب دیگری بود.

سخن که به اینجا رسید، جا دارد این نکته را بگویم که در زینبیه، حرمی منسوب به سکینه دختر امیر مؤمنان علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام وجود دارد که به تازگی مخالفان دولت سوریه به آنجا حمله کرده‌اند و آن را مورد اصابت گلوله قرار داده‌اند و گنبد آن را تخریب نموده‌اند. اصل و اساس بنای این حرم، بر پایه همین خبر نامعتبری است که گفتیم. شخصی به نام **واحدی شیرازی** در سوریه با استناد به چنین خبر نادرستی، این گنبد و بارگاه را بنا کرده و ادعا دارد که حضرت زهرا علیها السلام به جز زینب علیها السلام و ام کلثوم علیها السلام، دختر دیگری به نام سکینه دارد. جالب است که تا پیش از نقل مرحوم علامه مجلسی، هیچ‌کس این روایت را در کتاب خود نیاورده است. چنین اخباری معمولاً از شیعیان عرب بحرینی نقل شده است؛ از شیعیان بوده‌اند تا در پی چنین روایاتی باشند. عرب بودند تا بتوانند عبارات عربی را به خوبی بچینند. از بحرینی‌ها نیز تمایلات اخباری‌گری داشتند و در نقل اخبار، زیاد سخت‌گیری نمی‌کردند.

یکی دیگر از سخنان نادرستی که در مورد هجوم به خانه حضرت زهرا علیها السلام مشهور است، اینکه بلافاصله پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق افتاده که بی‌اعتبار و بی‌اساس است. این هجوم، حدوداً دو ماه پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انجام شد. دلایل این سخن را در مقاله‌ای در نشریه «تاریخ در آینه پژوهش» منتشر نموده‌ام. خلاصه اینکه، در ماجرای هجوم به خانه حضرت زهرا علیها السلام شخصی به نام **بریده بن حصیب اسلمی** دیده می‌شود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روزهای پایانی حیات خود که **اسامه بن زید** را با گروهی برای جنگی به سوی بلغاء شام فرستاد، پرچمی نیز به دست این فرد (بریده) داد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فوت نمود و سپاه اسامه به صورت موقت، زمین‌گیر شد. پس از غضب خلافت، باز سپاه اسامه تجهیز و به جنگ اعزام شد. بریده در این جنگ حضور داشته است. رفت و برگشت این سپاه، چهل روز طول کشید. سپس بریده به قبیله خود بازمی‌گردد. در آنجا اطراف او را می‌گیرند و در دفاع از خلافت امام علی علیه السلام شعار می‌دهند و به سوی مدینه حرکت می‌کنند. دستگاه خلافت تا این زمان، الزامی بر بیعت حضرت نداشت، ولی با این رویداد، به این نتیجه رسید که باید مرکز این جنبش‌ها را خاموش کند. در نتیجه به خانه حضرت حمله کردند. هجوم به خانه وحی، بیش از یک بار انجام شد و هر بار هجوم‌آوردندگان، ناموفق بودند تا در دفعه چهارم، موفق می‌شوند. فاصله هر حمله نیز حدود یک هفته بوده است. با این شرح، شما خود می‌توانید زمان تقریبی حمله به خانه حضرت زهرا علیها السلام و امیر مؤمنان علیه السلام را محاسبه کنید.

تصاویر نشست

